

ریشه‌های فلسفی تفسیر پویا (پژوهشی)

زهرا محمودی کردی *

سیده عاطفه قدیری نژاد **

(DOI) : 10.22066/cilamag.2025.2052422.2680

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

چکیده

معاهدات به‌عنوان اسنادی زنده و دارای حیات اجتماعی، ماهیتی پویا داشته و ممکن است تحت تأثیر تحولاتی که به مرور زمان در بستر تاریخی و اجتماعی آن‌ها رخ می‌دهد، دستخوش تحول معنایی شوند؛ لذا درک صحیح و اجرای مؤثر آن‌ها مستلزم به‌کارگیری شیوه خاصی از تفسیر موسوم به «تفسیر پویا» است که معاهده را بر اساس معنای جدید بازخوانی کرده و پاسخگوی ضرورت انعطاف‌پذیری و تحقق عدالت باشد. با این حال، عهدنامه حقوق معاهدات به تفسیر پویا اشاره نکرده و در عمل نیز مبانی به‌کارگیری آن مبهم است. پژوهش حاضر به منظور روش‌شناسی تفسیر پویا و تبیین مبانی نظری آن صورت گرفته و در صدد پاسخگویی به این سؤال است که روش تفسیر پویا در کدام رویکردها و مکاتب حقوق بین‌الملل ریشه دارد. یافته پژوهش آن است که تفسیر پویا به‌عنوان روشی مفسر‌محور، رویکردی ترکیبی است که بسته به ماهیت عبارت نوعی مورد تفسیر و تحت تأثیر بینش قضات و داوران ممکن است در مکاتب اثبات‌گرایی (نوبن)، حقوق طبیعی و جامعه‌شناسی حقوقی ریشه داشته باشد.

واژگان کلیدی

تفسیر پویا، تفسیر تکاملی، روش‌شناسی، مکاتب تفسیر حقوقی، مکاتب فلسفی حقوق

zmahmoodi4@gmail.com

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

** نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران
a.ghadirinezhad@ut.ac.ir



<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

مقدمه

موضوع تفسیر حقوقی و روش‌شناسی آن، همواره مسئله‌ای مهم در پژوهش‌های فلسفه حقوق بوده و در این حوزه آثار ارزشمندی به رشته تحریر درآمده است. در حقوق بین‌الملل به‌عنوان رشته‌ای که به مطالعه یک نظام حقوقی پویا و در حال تکامل می‌پردازد که واضعان و مجریان قواعد آن یکی هستند، موضوع تفسیر، اهمیت ویژه‌ای در نظریه و عمل دارد. مطابق عهدنامه حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، روش‌های تفسیر معاهدات، ذیل دو دسته کلی تفسیر «ذهنی» و «عینی» در مواد ۳۱ تا ۳۳ ذکر شده است. با وجود آنکه در زمان تدوین پیش‌نویس عهدنامه مزبور، جنبه‌های زمانی تفسیر و اثری که عنصر زمان می‌تواند بر تفسیر داشته باشد، مورد بحث بود، سرانجام از متن نهایی حذف شد و لذا متن عهدنامه در این باره ساکت است، در حالی که بعضاً مفاهیم به‌کاررفته در یک معاهده در طول زمان تغییر می‌کند و این تغییر باعث می‌شود که درک صحیح و اجرای مؤثر معاهده مستلزم به‌کارگیری شیوه خاصی از تفسیر باشد.^۱ از منظر تأثیر زمان بر تفسیر معاهدات، دو روش تفسیری «ایستا» و «پویا»^۲ قابل ذکر است که به‌ترتیب در دو رویکرد رایج نسبت به معاهدات، شامل «اصل عصری‌بودن معاهدات»^۳ و نیز «دکترین سند زنده»^۴ ریشه دارد. در روش تفسیر «پویا» یا «تکاملی»،^۵ معاهده به‌عنوان سندی زنده و دارای حیات اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که تحولات معنایی عبارات آن در طول زمان، مبنای تفسیر است.^۶ ره‌آورد اتخاذ این روش، تأمین انعطاف‌پذیری و تضمین کارایی معاهدات خواهد بود.

در متون حقوقی پیرامون ماهیت و مبانی تفسیر پویا دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و بعضاً از استحکام هنجاری آن انتقاد شده است.^۷ هرچند به‌کارگیری این روش در محاکم مختلف بر اساس یک یا چند رویکرد تفسیری توجیه شده،^۸ دقیقاً مشخص نیست که هریک از رویکردها چگونه مبنای انتخاب تفسیر پویا قرار می‌گیرند. سکوت عهدنامه حقوق معاهدات در این باره، بر چالش‌های موجود دامن می‌زند. در چنین فضایی، طرز عمل بازیگران اصلی امر تفسیر، به‌ویژه قضات و داوران، تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها و مبانی فکری و فلسفی صورت می‌گیرد که به آن معتقدند. در این میان

1. Zdenek Novy, "Evolutionary Interpretation of International Treaties", *Czech Yearbook of International Law* 8 (2017) 211.

2. Dynamic Interpretation

3. Principle of Contemporaneity

4. Living Instrument Doctrine

5. Evolutionary Interpretation

6. Sondre Torp Helmersen, "Evolutive Treaty Interpretation: Legality, Semantics and Distinctions", *European Journal of Legal Studies* 6, no. 1 (2013): 128.

7. Martin Dawidowicz, "The Effect of the Passage of Time on the Interpretation of Treaties: Some Reflections on Costa Rica v. Nicaragua", *Leiden Journal of International Law* 24, no. 1 (2011): 221.

8. Eirik Bjorge, *The Evolutionary Interpretation of Treaties* (New York: Oxford University Press, 2014), 2.

عده‌ای با پیروی از مکتب «اثبات‌گرایی»^۹، تفسیر پویا را بر مبنای رویکرد «قصدگرا» توجیه می‌کنند. برخی دیگر، مبنای آن را در ارزش‌های «حقوق طبیعی»^{۱۰} نظیر عدالت و اخلاق جستجو کرده و آن را تفسیری «غایت‌گرا»^{۱۱} می‌دانند. عده‌ای نیز با پیروی از «مکتب جامعه‌شناسی حقوقی»^{۱۲}، مبنای تفسیر پویا را تحولات اجتماعی و تاریخی می‌دانند.

از آنجایی که هر یک از نظریه‌ها و روش‌های تفسیری، ریشه در نظرات فلسفی و منطق حقوقی دارند، یکی از مسائل حائز اهمیت درباره تفسیر پویا، یافتن مبنای نظری مستحکم برای این نظریه جدید از منظر مباحث روش‌شناسی است؛ موضوعی که در ادبیات حقوقی به آن توجه نشده است. از همین رو، نوشتار حاضر با هدف ریشه‌یابی تفسیر پویا در مکاتب تفسیری و فلسفی حقوق بین‌الملل به رشته تحریر درآمده است. بدین منظور، مباحث ذیل دو بخش کلی ارائه شده است. در بخش نخست، کلیاتی از مفهوم چالش‌برانگیز تفسیر پویا در حقوق بین‌الملل بیان شده و در بخش دوم به بررسی تفسیر پویا از منظر مکاتب تفسیر معاهدات، دانش هرمنوتیک و فلسفه حقوق بین‌الملل پرداخته شده است.

۱. وجوه مشخصه تفسیر پویا

همسو با مطالعات اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل باید گفت که هیچ رابطه حقوقی، بی‌تأثیر از عنصر زمان نبوده و معاهدات به‌عنوان یکی از مظاهر برجسته همکاری‌های بین‌المللی، هرگز از بستر تاریخی و اجتماعی خود جدا نیستند. با گذر زمان و تحت تأثیر تحولاتی که در این بستر رخ می‌دهد، ممکن است معنای برخی اصطلاحات و عبارات معاهده تغییر کند. در این صورت، اجرای مؤثر و تحقق هدف معاهده، تنها در پرتو همین معنای جدید میسر است و پایبندی صرف به آنچه متعاهدین در زمان انعقاد اراده کرده‌اند، معاهده را بی‌اثر یا اجرای آن را دشوار می‌کند. حقوق بین‌الملل، تنها زمانی می‌تواند مؤثر و کارآمد بماند که به اندازه کافی منعطف بوده و بتواند قواعد خود را با مقتضیات زمانه هماهنگ کند؛ البته این انعطاف همیشه باید با مقوله ثبات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حاکمیت قانون، در تعادل و توازن باشد.^{۱۳} یکی از ابزارهای حفظ این توازن، تفسیر قواعد در پرتو «تحولات زمان» است که مؤید رویکردی تکاملی در تفسیر معاهدات است. به بیان دیگر، در تفسیر معاهدات، دو مقطع زمانی حائز اهمیت است؛ نخست، «زمان انعقاد» معاهده که ملاک عمل در روش تفسیر ایستا است و دوم «زمان تفسیر» که ملاک عمل در تفسیر پویا

9. Positivist

10. Natural Law

11. Purposive Approach

12. Sociological Jurisprudence

۱۳. اسماعیل سماوی، تفسیر پویای معاهدات بین‌المللی (تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۹)، ۱۶.

است. شیوه اصلی در تفسیر معاهدات، تفسیر ایستا است و به‌کارگیری تفسیر پویا جنبه فرعی و استثنایی دارد.

تفسیر پویا بارها توسط محاکم مختلف، از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان اروپایی حقوق بشر، دیوان دادگستری اروپایی،^{۱۴} دیوان امریکایی حقوق بشر، مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی و برخی مراجع داوری به کار گرفته شده است. چون اعمال تفسیر پویا مسئله‌ای چالش‌برانگیز است، معیارهای به‌کارگیری این روش نیز حائز اهمیت است. در عهدنامه حقوق معاهدات و نیز در طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل با عنوان «اثر توافق و رویه بعدی دولت‌ها در تفسیر معاهدات»، سخنی از معیار مشخص برای استفاده از تفسیر پویا به میان نیامده و در نهایت، اسناد مذکور و رویه قضایی، تصمیم‌گیری موردی را ترجیح داده‌اند. بنابراین نمی‌توان به موجب یک حکم کلی گفت که تفسیر برخی معاهدات، لزوماً تابع روش پویا است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نهادهای حل اختلاف معمولاً با اتکا به «موضوع و هدف» معاهده، «قصد فرضی متعاهدین» و «تحول‌پذیری عبارات به‌کاررفته در متن» معاهده، نظریه تفسیر پویا را اعمال نموده‌اند.

در این رابطه، آرای دیوان بین‌المللی دادگستری حائز اهمیت است زیرا از یک سو بهترین مرجع برای احراز حقوق بین‌الملل عرفی بوده و از سوی دیگر دستورالعمل‌های کلی و مفصلی را در مورد شرایط استفاده از تفسیر پویا ارائه کرده که توسط سایر مراجع نیز تأیید شده است. دیوان طی پنج دهه در پرونده‌های متعددی به این شیوه تفسیر روی آورده است. دیوان اولین بار در نظریه مشورتی نامیبیا صراحتاً از روش تفسیر پویا استفاده کرده و علی‌رغم آنکه توجه به قصد طرفین در زمان انعقاد معاهده را شرط اولیه تفسیر آن دانسته،^{۱۵} به این نکته اشاره کرده است: «عبارات ویژه‌ای مانند «رسالت مقدس تمدن»، مندرج در ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل، ایستا و ثابت نبوده و مفاهیمی پویا شناخته می‌شوند». در رأی دیوان در قضیه حق کشتی‌رانی در رودخانه سن خوان^{۱۶} و به تبع آن در پرونده کارخانه خمیر کاغذ،^{۱۷} نیز لزوم وجود «عبارات نوعی»^{۱۸} برای انتخاب روش تفسیر پویا تأیید شده است. منظور از عبارات نوعی، مفاهیم کلی و عامی هستند^{۱۹} که به همه افراد و اشیاء و مفاهیم دلالت کنند و بین همه آن‌ها مشترک باشند و معنای آن‌ها تاب تکامل و تحول داشته

14. ECR. Case of (Srl CILFIT and Lanificio di Gavardo SpA) v. Ministry of Health (Case 283/81). Judgment 6 October 1982. Para 20.

15. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia Notwithstanding Security Council Resolution 276, Advisory Opinion, para. 51.

16. Dispute regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua), Judgment, para 66

17. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, para 204.

18. Generic Terms

۱۹. این مفهوم در مقابل اسامی خاص قرار می‌گیرد.

باشد. علاوه بر این، دیوان در قضیه صید نهنگ، معیار دیگری را برای انتخاب روش تفسیر پویا با این بیان برشمرد: «معاهداتی که برای زمان طولانی اجرا می‌شوند، باید بر اساس شرایط و تحولات جدید تفسیر شوند».^{۲۰}

بنابراین، زمانی از روش تفسیر پویا استفاده می‌شود که معاهده مورد بحث، اولاً برای اجرای «طولانی‌مدت» یا «مدت نامعلوم» منعقد شده و ثانیاً متضمن «عبارات نوعی» باشد. به بیان دیگر، قاعده کلی تفسیر پویا آن است که عبارات نوعی در معاهدات بلندمدت به صورت تکاملی تفسیر می‌شوند. به طور خلاصه، وجه مشخصه اعمال تفسیر پویا، تحول معنای عبارات نوعی در گذر زمان است.

۲. کارکردهای تفسیر پویا

تفسیر، فرآیند بدون نفع^{۲۱} و خالی از ارزش^{۲۲} نیست.^{۲۳} عبارات نوعی مندرج در معاهدات که به روش پویا تفسیر می‌شوند، به دو قسم قابل تقسیم‌اند: نخست واژگان غیرارزش‌محور نظیر وضعیت سرزمینی، حقوق، مأموریت، منابع طبیعی، مخابرات و اهداف بازرگانی و دوم، واژگان ارزش‌محور مانند اخلاق عمومی، نظم عمومی، رسالت مقدس تمدن، حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار.^{۲۴} بر همین مبنا می‌توان دو کارکرد اصلی برای تفسیر پویا در نظر گرفت؛ کارکرد اول که ناظر به نقش تفسیر پویا در «به‌روزرسانی» و «انعطاف‌پذیری» معاهدات است، عمدتاً ناظر به واژگان غیرارزش‌محوری است که نوعاً تکاملی بوده و تحت تأثیر تحولات زبانی، فنی یا حقوقی، دامنه شمول آن‌ها توسعه یافته و تغییر می‌کند. کارکرد دوم که به تفسیر واژگان ارزش‌محور مربوط می‌شود، به «تحقق ارزش‌ها» و «منافع مشترک» از طریق تفسیر پویا اشاره دارد. دو کاربرد مزبور که ذیلاً بررسی می‌شوند، با هم مرتبط بوده و در مورد واژگان ارزش‌محور هم‌پوشانی دارند، چرا که با به‌روزرسانی معاهدات است که می‌توان راه ورود ارزش‌ها را باز کرد.

۲-۱. تضمین انعطاف‌پذیری و به‌روزرسانی

روش تفسیر پویا این امکان را در اختیار قضات و داوران بین‌المللی قرار می‌دهد تا مفاد معاهدات قدیمی را به‌روزرسانی کنند. این به‌روزرسانی و تحول در چارچوب قانونی اولیه، اغلب به‌عنوان ضرورت منطقی و توسعه مطلوب برای اثربخشدن، تحقق هدف و تعدیل شرایط معاهدات با

20. *Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan: New Zealand intervening)*, Judgment, para 45.

21. Interest-free

22. Value-Neutral

23. Novy, *Evolutionary Interpretation of International Treaties*, 213.

24. Helmersen, *Evolutionary treaty interpretation: legality, semantics and distinctions*, 139.

اقتضائات جدید در نظر گرفته می‌شود.^{۲۵} به‌روزرسانی معاهدات از مجرای تفسیر پویا، تکامل حقوق بین‌الملل را نیز به دنبال دارد و نام‌گذاری این شیوه تفسیر به‌عنوان «تفسیر تکاملی»، معلول و مرهون همین کارکرد است. در همین راستا در برخی نوشته‌های حقوقی از نظریه تفسیر پویا با عنوان دکترینی در حمایت از «قضاوت مترقیانه» برای دستیابی به عدالت و آثار مفید برای جامعه یاد شده است.^{۲۶} به عبارت دقیق‌تر، تفسیر پویا ماهیتی دوگانه دارد و در عین حال که فرآیند شناخت، جهت کشف معنا و معرفت‌شناسی است، از سوی دیگر می‌تواند وسیله اعمال اراده مفسر جهت توسعه یا تغییر قلمرو مفاهیم معاهدات نیز باشد. به دلیل همین وصف ماهوی است که گفته می‌شود تفسیر پویا، مجرای برای قاعده‌سازی از طریق رویه قضایی است.^{۲۷} در حالی که روش تفسیر ایستا به اصل انعطاف‌پذیری مقررات حقوقی که لازمه بقا و دوام هر نظام حقوقی است، خدشه وارد می‌کند، تفسیر پویا یا تکاملی با لحاظ تغییرات بعدی و در نظر گرفتن معنای عبارات معاهده در زمان اجرا، می‌تواند به این ضرورت پاسخ دهد.^{۲۸} گفته می‌شود که دو روش تفسیر ایستا و پویا متضمن موازنه ظریفی میان شکل‌گرایی^{۲۹} و انعطاف‌پذیری^{۳۰} در حقوق معاهدات است. به عبارت دیگر، در حالی که شکل‌گرایی متضمن رویکرد ایستا به تفسیر معاهدات است، تفسیر پویا می‌تواند موجبات انعطاف‌پذیری معاهدات را فراهم آورد.^{۳۱}

کارکرد مزبور در رویه قضایی تأیید شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حق کشتی‌رانی در رودخانه سن خوان، با ارائه تفسیری پویا از عبارت «کشتی‌رانی آزاد ... با اهداف بازرگانی»، قلمرو این مفهوم را توسعه داده و ابراز داشت: «در دنیای امروز، حمل و نقل اشخاص نیز ماهیتاً امری بازرگانی محسوب می‌شود».^{۳۲} در پرونده نامیبیا نیز دیوان در تفسیر منشور ملل متحد و مقررات قیمومت، به تحولات حقوق بین‌الملل در زمینه استعمارزدایی و حق تعیین سرنوشت توجه نموده و با به‌کارگیری روش تفسیر تکاملی، قواعد قیمومت را از ابزار صرفاً مدیریتی به ابزاری برای تسریع فرآیند استعمارزدایی و تضمین حقوق مردم تحت استعمار، تغییر داده است. علاوه بر این، مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در قضیه تجهیزات مخابراتی و ارتباطاتی مکزیکی،

25. Geraldo Vidigal, "Hidden Meanings: Evolutionary Interpretation between Norm Application and Progressive Development", *Journal of International Economic Law* 24 (2021): 206.

26. *Ibid.*, 213.

27. ن.ک: محمد حبیبی مجنده و ساناز کامیارراد، «قاعده‌سازی در دیوان بین‌المللی دادگستری از مجرای تفسیر پویا»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۳۵، ۵۸ (۱۳۹۷).

28. Pierre-Marie Dupuy, "Evolutionary Interpretation of Treaties: Between Memory and Prophecy", in: *The Law of Treaties beyond the Vienna Convention*, Enzo Cannizzaro (ed.), Oxford University Press (2011): 123.

29. Formalism

30. Flexibility

31. Novy, *Evolutionary Interpretation of International Treaties*, 210.

32. *Dispute Regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua)*, Judgment, para 51-57.

رویکردی مشابه اتخاذ کرد. در این پرونده، رکن استیناف در مقام تفسیر موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گتس)، تحولات سریع فناوری را عامل توسعه معنای عبارت «خدمات مخابراتی و ارتباطی» دانسته و بر این باور بود که: «هرچند در زمان انعقاد گتس در دهه ۱۹۹۰ مخابرات شامل ارتباطات اینترنتی نمی‌شد، تفسیر مفاد و عبارات مندرج در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، احتمالاً در گذر زمان دستخوش تکامل خواهد شد».^{۳۳}

در مجموع، کاربست روش تفسیر پویا در رویه قضایی نشان می‌دهد با این روش می‌توان مفاد معاهدات قدیمی را که انعطاف کافی برای تطابق با شرایط جدید ندارند، با تحولات جدید حقوقی همگام کرد.

۲-۲. دروازه ورود ارزش‌ها و منافع مشترک

ارزش‌های حقوقی غالباً با منفعی که در حمایت از آن‌ها قرار گرفته‌اند، تلاقی می‌کنند و یکی از مهم‌ترین کارکردهای هر نظام حقوقی، ارزش‌گذاری منافع است. روش تفسیر پویا راهواری برای تضمین و حمایت از «ارزش‌ها» و «منافع مشترک» جامعه بین‌المللی نظیر برابری، دموکراسی، حقوق بشر، صلح، امنیت، عدالت، رفاه عمومی و قداست معاملات بوده یا به زعم قاضی گاجا در کتابی با عنوان «حفظ منافع کلی جامعه بین‌المللی»،^{۳۴} به‌عنوان دروازه ورود ارزش‌ها و منافع مشترک به نظام حقوق بین‌الملل عمل می‌کند زیرا در نظر گرفتن تحولات بعدی، فرصتی را برای بازخوانی معاهده بر اساس معنایی فراهم می‌کند که متضمن حمایت بیشتر از منافع مشترک باشد.^{۳۵} به عبارت دیگر، تفسیر پویا این امکان را برای مفسر فراهم می‌سازد تا در پی یافتن معنایی مقتضی برای عبارات معاهده، از تلاش برای کشف اراده متعاقبین در زمان انعقاد فراتر رفته و آن معاهده را در ظرف زمانی جدید، بر اساس حقوق بین‌الملل مدرن بازخوانی کند. حقوق بین‌الملل در نسخه مدرن و جهانی‌شده خود، در راستای تحقق یک نظام عینی‌گرا و ارزش‌محور تکامل یافته است. ارزش‌هایی چون حقوق بشر، عدالت اجتماعی، حفظ صلح و محیط‌زیست با گذر زمان در جامعه جهانی اهمیت بیشتری یافته‌اند. محاکم بین‌المللی می‌توانند با تفسیر پویا، معاهدات را به‌روزرسانی کرده و آن‌ها را به ابزارهایی برای حمایت از این ارزش‌ها تبدیل کنند. در دادگاه اروپایی حقوق بشر، تفسیر پویا ابزاری برای به‌روزرسانی و تضمین اثرگذاری حقوق حمایتی مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تعریف شده است. به بیان دادگاه مزبور: «در تفسیر کنوانسیون باید به ماهیت ویژه آن

33. WTO. *Mexico –Measures Affecting Telecommunications Services*, WT/DS204/R, adopted 1 June 2004, para 7.

34. Giorgia Gaja, *The Protection of General Interests in the International Community: General Course on Public International Law* (Boston: Nijhoff Publishers, 2012), 66.

35. Novy, *Evolutionary Interpretation of International Treaties*, 212-213.

به‌عنوان معاهده‌ای برای اجرای جمعی آزادی‌های اساسی و حقوق بشر توجه شود. هرگونه تفسیری از حقوق و آزادی‌های تضمین‌شده باید با روح این کنوانسیون که به‌عنوان ابزاری برای حفظ و ارتقای آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه دموکراتیک طراحی شده است، مطابقت داشته باشد.^{۳۶} مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در پرونده قمار در تفسیر واژه «اخلاق عمومی» مندرج در ماده ۱۴ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گتس) اذعان می‌دارد که: «ما به‌خوبی آگاهیم که ممکن است حساسیت‌هایی پیرامون تفسیر واژگان «اخلاق عمومی» و «نظم عمومی» در منصوص ماده ۱۴ وجود داشته باشد.... محتوای این مفاهیم می‌تواند بسته به عواملی نظیر ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی به لحاظ زمان و مکان برای اعضا متغیر باشد.»^{۳۷} دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه گابچیکوو ناگیمارس در تفسیر معاهده مربوط به مدیریت منابع آبی رودخانه دانوب، این‌گونه بیان داشت: «معاهدات باید در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل، از جمله قواعد نوظهور مربوط به حفاظت از محیط‌زیست تفسیر شوند.»^{۳۸} این موضوع به دلیل تغییر شرایط و نگرانی‌های زیست‌محیطی که پس از انعقاد معاهده مربوطه به وجود آمده بود، مطرح شد. در همین قضیه، دیوان در تفسیر مفهوم «توسعه پایدار»، خاطرنشان ساخت: «در دو دهه اخیر، معیارها و هنجارهای جدیدی در حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شکل گرفته است که همچنین در زمان‌هایی که کشورها در حال ادامه فعالیت‌های آغازشده در گذشته هستند، باید مورد توجه قرار گیرد.»^{۳۹} در حقیقت، دیوان با اتخاذ رویکرد تکاملی در تفسیر، معاهده مورد اختلاف را به شکلی به‌روز کرد که تعهدات زیست‌محیطی مدرن که تبلور ارزش‌های جدید حقوق بین‌الملل معاصر هستند در آن لحاظ شود.

علاوه بر آرای فوق، قاضی ترینداد در نظریه جداگانه مربوط به قرار دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده تقض عهدنامه مودت میان ایران و آمریکا، به کارکرد تفسیر پویا در تحقق ارزش‌ها و منافع مشترک توجه کرده است.^{۴۰} وی ضمن تلقی معاهدات به‌عنوان اسنادی زنده و با تأکید بر هدف عهدنامه مودت در حفظ ارزش صلح پایدار و همکاری صمیمانه میان کشورها، تفسیر پویا را به‌عنوان شیوه‌ای مناسب برای تفسیر این معاهده تأیید کرد. قاضی ترینداد با اشاره به قضایای متعدد از جمله اعمال کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم^{۴۱} و جادهاو^{۴۲} در

36. ECtHR. *Soering v. The United Kingdom* (Application No. 14038/88). Judgment 07 July 1989. Para 87.

37. WTO. *United States—Measures Affecting the Cross-Border Supply of Gambling and Betting Service*. WT/DS285/R. adopted 20 April 2005. Para 6.

38. *Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)*, Judgment, para. 112.

39. *Ibid.*, 78

40. *Alleged violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Right, (Iran v United States)*, decision on provisional measures, Separate opinion of Judge Cançado Trindade alleged, p. 2.

41. *Application of the CERD Convention (Ukraine versus Russian Federation)*, provisional measures, Order.

42. *Jadhav (India versus Pakistan)*, Provisional Measures, Order.

تبيين فلسفه‌ای که مبنای احراز صلاحیت علی‌الظاهر دیوان است، اظهار داشت که دیوان برای انجام مأموریت خود در تحقق عدالت و صیانت از صلح در روابط بین‌المللی، حمایت از حقوق را برتر از نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی تلقی می‌کند.

۳. روش‌شناسی تفسیر پویا

نظریه تفسیر پویا که داعیه یک روش منعطف و مؤثر در تفسیر معاهدات دارد، زمانی می‌تواند عملاً از استحکام لازم برخوردار شود که دارای مبانی نظری و فلسفی کافی و اصیل باشد. تبیین مبانی تفسیر پویا و یافتن رگ و ریشه آن در فلسفه حقوق، مستلزم بررسی این روش از منظر مکاتب تفسیری، علم هرمنوتیک و فلسفه حقوق بین‌الملل است.

۳-۱. تفسیر پویا و مکاتب سه‌گانه تفسیر حقوقی

همان‌طور که اشاره شد، روش تفسیر پویا نتیجه استفاده از یک یا چند رویکرد تفسیری است اما در نوشته‌های حقوقی مشخص نشده است که هریک از رویکردها چگونه انتخاب تفسیر پویا را توجیه می‌کنند. در حوزه تفسیر معاهدات، سه مکتب اصلی وجود دارد که تحت عناوین «مکتب اصالت قصد طرفین»،^{۴۳} «مکتب اصالت متن»^{۴۴} و «مکتب اصالت هدف و موضوع»^{۴۵} شناخته می‌شود. در هر یک از مکاتب فوق، یکی از جنبه‌های تفسیر، اولویت دارد. مکتب «اصالت قصد» با اتخاذ رویکرد ذهنی در تفسیر معاهدات، معتقد است که واژه‌ها متضمن همان معنایی هستند که طرفین به آن نسبت می‌دهند و وظیفه مفسر نیز کشف قصد متعاقدين با توجه به اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد است.^{۴۶} این رویکرد به دنبال کشف قصد واقعی یا فرضی متعاهدین در زمان انعقاد معاهده است. در مکتب «اصالت متن»، این عقیده وجود دارد که متن از عینیت و خودبستگی برخوردار بوده و برای تفسیر باید به برداشت‌های لفظی و معنای متداول عبارات متن اکتفا کرد. پیروان این مکتب با رویکردی عینی به تفسیر معاهدات می‌پردازند و به دنبال اکتشافات ذهنی نیستند. مکتب «اصالت هدف» با رویکردی غایت‌گرا/ اهداف کلی معاهده را به‌عنوان مقوله‌ای مستقل از قصد اولیه متعاهدین، ملاک تفسیر می‌داند. این روش به قضات اجازه می‌دهد روح معاهدات را در تفسیر لحاظ کنند.

43. "Intention of the Parties" School

44. "Ordinary Meaning of Words" School

45. "Aims and objects School or Teleological" School

46. Oliver Morse, "Schools of Approach to the Interpretation of Treaties", *Catholic University Law Review* 9, no. 1 (1960): 40.

صرف نظر از ویژگی‌هایی که هر یک از این رویکردهای تفسیری دارند، در عمل نمی‌توان حیطه و موارد استفاده هر یک از آن‌ها را به‌طور دقیق مشخص کرد و معمولاً برای تفسیر یک معاهده، اصول و مبانی هر سه رویکرد به کار گرفته می‌شوند.^{۴۷} مفاد بند ۱ ماده ۳۱ عهدنامه حقوق معاهدات^{۴۸} نشان می‌دهد که کنوانسیون در مقام بیان قواعد تفسیر، هر سه رویکرد و ضرورت تعامل میان آن‌ها را به رسمیت شناخته است. با این همه و از آنجا که در منابع حقوق بین‌الملل، معیار واحدی برای توسل به تفسیر پویا معین نشده و رویه قضایی نیز مؤید تصمیم‌گیری‌های موردی است، مهم است دانسته شود که قضات بر اساس چه مبانی نظری روش تفسیر پویا را انتخاب می‌کنند.

۳-۲. تفسیر پویا، روشی ترکیبی؟

بررسی‌ها بیانگر وجود سه رویکرد متفاوت جهت انتخاب شیوه تفسیر توسط قضات و داوران بین‌المللی است که عبارت‌اند از: انتخاب روش تفسیر مبتنی بر «اراده و خواست طرفین»، انتخاب بر اساس «هدف و موضوع معاهده» و دیدگاه توجه به «ماهیت» تعهدات. لازم به یادآوری است که به‌کارگیری تفسیر پویا جنبه استثنایی داشته و نیازمند دلایل موجه است؛ لذا در عمل محدود به مواردی است که بتوان بر اساس «رویکردی ترکیبی» این انتخاب را توجیه کرد.

آنچه در رویه قضایی و دکترین به‌عنوان عامل اصلی در انتخاب شیوه تفسیر شناخته می‌شود، توجه به «قصد طرفین» است که می‌تواند از طریق وسایل تفسیر ذهنی کشف شود؛ وجود اماراتی نظیر عبارات نوعی در متن معاهده یا در نظر گرفتن رویه و عملکرد بعدی دولت‌ها، به کشف قصد متعاقدين کمک می‌کند. معمولاً اراده متعاهدین به‌صراحت بیان نمی‌شود و با قراین و امارات موجود می‌توان آن را فرض کرد. در مواردی که عبارات نوعی غیرارزش‌محور محل اجرای تفسیر پویا بوده‌اند، دیوان بین‌المللی دادگستری آن‌ها را اماره قصد تکاملی طرفین دانسته و فرض را بر این گذاشته است که تحولات، مورد انتظار طرفین بوده‌اند. به‌عنوان نمونه، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نامیبیا ضمن پذیرش پویابودن مفهوم عبارت نوعی «رسالت مقدس تمدن انسانی» بیان داشت: «باید فرض کرد دولت‌هایی که میثاق را پذیرفته‌اند، پویایی و تحول‌پذیری عبارات نوعی را تأیید کرده‌اند».^{۴۹}

47. David Harris and Sandesh Sivakumaran, *Cases and Materials on International Law*, 8th ed. (London: Sweet & Maxwell, 2015), 675.

48. «هر معاهده باید با حسن نیت و بر اساس معنای عادی و متداولی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آن‌ها داده می‌شود، در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر شود».

49. Ibid., para. 23.

در انتخاب شیوه تفسیر برای عبارات نوعی/ارزش‌محور، باید عوامل دیگر را در نظر گرفت. توجه به «موضوع و هدف معاهده»،^{۵۰} از دو جهت می‌تواند تفسیر پویا را توجیه کند: گاهی موضوع و هدف در طول زمان و در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل متحول می‌شوند؛ بنابراین معاهده باید در پرتو آن موضوع و هدف تحول‌یافته تفسیر شود؛ گاهی نیز تحقق همان موضوع و هدفی که در زمان انعقاد معاهده مدنظر متعاهدین بوده، مستلزم توجه به تحولات بعدی جامعه بین‌المللی و سازگاری معاهدات با شرایط جدید است.^{۵۱} از این رو در معاهدات حقوق بشری یا زیست‌محیطی که تحقق هدف آن‌ها نیازمند توجه به تحولات جامعه بین‌المللی است، تفسیر پویا بهتر می‌تواند معاهده را با تحولات اجتماعی هماهنگ کند. به بیان دیگر، با توجه به ماهیت پویا، چندبعدی و میان‌نسلی معاهدات زیست‌محیطی که عمدتاً بیانگر نگرانی‌های مشترک هستند و حمایتی و بنیادی بودن معاهدات حقوق بشری، رویکرد تفسیر «غایت‌گرا» به شکل بهتری می‌تواند به/هدف حمایتی این دست معاهدات جامعه عمل ببوشاند. به‌عنوان مثال، در قضیه صید نهنگ که تفسیر تکاملی به‌طور ضمنی در تحلیل‌های دیوان گنجانده شده و اساس تصمیم‌گیری آن را شکل داد، دیوان با توجه به هدف کنوانسیون بین‌المللی مقررات صید نهنگ در حفاظت از تنوع زیستی، معتقد بود که عباراتی مانند «تحقیقات علمی» باید با توجه به پیشرفت‌های علم و تغییر نگرش جهانی نسبت به حفاظت از محیط‌زیست و گونه‌های در خطر انقراض تفسیر شوند. در مقابل در معاهداتی که هدفشان استقرار وضعیتی ثابت است، مانند معاهدات مرزی، تفسیر ایستا روش مناسب‌تری است. مثلاً در قضیه کاسیکیلی که ناظر به اختلاف مرزی بود، دیوان به منظور حفظ ثبات مرزهای بین دو کشور، از موضع نسبتاً محافظه‌کارانه‌ای استفاده کرده و به تفسیر ایستا پایبند بود.^{۵۲}

در خصوص «ماهیت تعهدات» باید گفت که تفکیک انواع تعهدات از حیث تبادل یا آمره بودن نقشی فرعی و کمکی در انتخاب شیوه تفسیر ایفا می‌کند و می‌تواند در کنار دو عامل دیگر، انتخاب روش تفسیر پویا را توجیه کند. ایده اصلی تفکیک تعهدات بر این رویکرد لوتر پاخت مبتنی بود که معاهدات قانون‌ساز، برتر از معاهدات قراردادی هستند. بعدها فیتس موریس، نظریه برتری برخی معاهدات قانون‌ساز را مطرح کرد و با تمایز قائل شدن میان معاهداتی که صرفاً تبادل حقوق و تکالیف هستند و معاهدات متضمن قواعد آمره، برتری را از آن معاهدات دسته دوم دانست.^{۵۳} این نظریه که در حقوق بین‌الملل از مقبولیت عام برخوردار شده، از حیث تأثیر زمان بر تحول معنای معاهدات،

۵۰. موضوع معاهده، همان قواعدی است که طرفین معاهده وضع کرده‌اند، همان حقوق و تکالیفی که از این قواعد ناشی می‌شود، حال آنکه هدف معاهده آن چیزی است که طرف‌های معاهده مایل به رسیدن به آن هستند.

۵۱. سماوی، همان، ۳۷.

52. *Kasikili-Sedudu Island, (Botswana v. Namibia), Judgment, I.C.J Reports 1999, p. 1045.*

53. Gerald Fitzmaurice, Third Report on the Law of Treaties, 1958, UN Doc A/CN.4/115 and Corr 1, art. 18-19, p. 27. Fragmentation Report, para. 493 (1) (d).

نظریه‌ای تأثیرگذار در تفسیر معاهدات است زیرا برخی معاهدات به دلیل ماهیت ویژه تعهدات مندرج در آن، رفتار متفاوتی را در تفسیر می‌طلبند.^{۵۴} تفسیر پویا روش مناسب‌تری برای تفسیر معاهدات متضمن قواعد آمره است زیرا این معاهدات موجد تعهداتی با ماهیت عام‌الشمول هستند که کلیه اعضای جامعه بین‌المللی در اجرای آن‌ها منفعت حقوقی دارند و همان طور که در مبحث کارکردهای تفسیر پویا توضیح داده شد، تفسیر پویا با در نظر گرفتن تحولات بعدی، امکان بازخوانی معاهده را بر اساس معنایی فراهم می‌کند که متضمن حمایت بیشتر از منافع مشترک باشد. بنابراین، مبنای تفسیر پویا در هر سه رویکرد دیده می‌شود؛ به این ترتیب که اگر تفسیر تکاملی واژگان غیرارزش‌محور مدنظر باشد، رویکرد قصدگرا غلبه دارد و در صورتی که عبارات نوعی ارزش‌محور موضوع تفسیر قرار گیرند، رویکرد غایت‌گرا بهتر می‌تواند استفاده از تفسیر پویا را توجیه کند؛ در هر دو حالت نیز توجه به ماهیت تعهدات و عینیت متن، جنبه تکمیلی دارد.

۳-۳. تفسیر پویا و هرمنوتیک

در قرن ۱۹ و ۲۰، مسئله فهم و تفسیر، محور بسیاری از مطالعات علمی و فلسفی قرار گرفت و همین امر، دیگر بار توجه نویسندگان را به مقوله «هرمنوتیک» جلب کرد. هرمنوتیک واژه‌ای با ریشه یونانی است که از سده هفدهم میلادی در ادبیات علمی غرب کاربرد پیدا کرده و به معنای «به‌فهم‌درآوردن چیز یا موقعیتی مبهم» است.^{۵۵} هرچند در مورد مفهوم و ماهیت این اصطلاح، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، اجمالاً می‌توان آن را علم یا فلسفه‌ای دانست که به مطالعه فهم و تفسیر می‌پردازد.^{۵۶} علم هرمنوتیک بنیان تمام دانش‌هایی است که با فهم پدیده‌ها سر و کار دارد و عرصه فراگیر آن از ساختار وجودی آدمی تا معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی توسعه پیدا کرده است.^{۵۷} از همین رو در ریشه‌یابی فلسفی تفسیر پویا که به فهم متون حقوقی مربوط می‌شود، باید نگاهی به نظریات هرمنوتیکی انداخت. بر اساس سیر تاریخی، هرمنوتیک در سه دوره «کلاسیک»، «رمانتیک» و «مدرن» قابل توجه است. «هرمنوتیک کلاسیک»، پیش از آنکه به فلسفه مربوط باشد، به تفسیر متون دینی پرداخته

۵۴. حبیبی مجنده و دیگران، همان، ۷۴.

۵۵. حسین هرسیج، محمودرضا رهبر قاضی و رضا محمود اوغلی، «بررسی و نقد هرمنوتیک فلسفی گادامر از دیدگاه هرمنوتیک انتقادی هابرماس»، دانش سیاسی و بین‌المللی، ۱ (۱۳۹۱): ۶۵.

۵۶. محمدجواد جاوید و سجاد افشار، «رهیافت متن‌گرایی در تفسیر حقوقی؛ با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۰، ۶۱ (۱۳۹۷): ۴۵.

۵۷. هرسیج و دیگران، همان، ۶۵.

و متضمن قواعدی برای درست فهمیدن کتاب مقدس بود.^{۵۸} «هرمنوتیک رمانتیک» (۱۷۹۸-۱۸۷۰) با اتخاذ رویکرد تفسیر مؤلف‌محور، متن را برآیند مقصود مؤلف دانسته و معتقد است مفسر باید با پایبندی به ظاهر کلام مؤلف، نیت حقیقی او را کشف کند. هرمنوتیک مؤلف‌محور دارای مبنایی پوزیتیویستی است زیرا تنها تفسیری را صحیح می‌داند که نیت و منظور اصلی مؤلف را آشکار کند.^{۵۹} در قرن بیستم، رهیافتی فلسفی در هرمنوتیک ظهور کرد. شخصیت‌های کلیدی این دوره، هانس، گادامر، هایدگر، و ریکور هستند. البته هدف از این پژوهش، معرفی علم هرمنوتیک یا نظریه‌های هرمنوتیکی نیست و تنها به هرمنوتیک مفسر‌محور به‌عنوان یکی از لوازم ریشه‌یابی فلسفی تفسیر پویا پرداخته شده است.

با تکامل دیدگاه‌های مفسر‌محور در نیمه‌های قرن بیستم و تحت تأثیر اندیشه‌های هایدگر و «هرمنوتیک فلسفی گادامر»، مقوله تفسیر به‌عنوان امر هستی‌شناختی، موضوع تأملات فلسفی قرار گرفت.^{۶۰} مبنای این دیدگاه هستی‌شناسانه، نظریه «قطع ارتباط مؤلف با متن پس از نوشتن آن» است. هرمنوتیک فلسفی معتقد است که برای شناخت پدیده‌ها باید وضعیت مؤلف و مفسر از حیث تفاوت‌های زمانی، زبانی و ذهنی لحاظ شود. همچنین باید در نظر داشت که هریک از مؤلف و مفسر با مفروضات ذهنی خود که وابسته به دو موقعیت زمانی و مکانی متفاوت است، پدیده‌ها را درک می‌کنند. از همین رو، فهم یا تفسیر، عملی نامحدود بوده که می‌تواند به تعداد مفسرین و در زمان‌های مختلف، متعدد و متفاوت باشد. حتی این امکان نیز وجود دارد که مفسر به فهمی متفاوت از مقصود مؤلف دست یابد. این تفاوت در شرایطی برجسته‌تر می‌شود که با گذر زمان، بستر اجرای قانون به‌عنوان متن مورد تفسیر به لحاظ تاریخی، اجتماعی، فنی یا زبانی تغییر کرده باشد. در این صورت ممکن است مفسر آن قانون را نامناسب یا ناعادلانه یا غیراخلاقی و در نتیجه، ناکارآمد تلقی کند و بدین ترتیب، راه برای ارائه تفاسیر جدید و حتی مخالف ظاهر قانون هموار شود.^{۶۱} بنابراین، زمانی که قاضی یا داور بین‌المللی با ارائه تفسیری تکاملی از عبارات نوعی، به دنبال تحقق عدالت یا به‌روزرسانی حقوق بین‌الملل است، این اجتهاد او در هرمنوتیک مفسر‌محور ریشه دارد. از منظر مکاتب تفسیر معاهدات نیز رویکرد «غایت‌گرا» که مبنای تفسیر پویای عبارات نوعی ارزش‌محور است، بیشتر با هرمنوتیک مفسر‌محور همخوانی دارد، چرا که با اصالت‌دادن به هدف و موضوع معاهده، به مفسر این آزادی عمل را می‌دهد که از پایبندی کامل به قصد طرفین و متن

۵۸. محمدکاظم علمی سولا، «هرمنوتیک مدرن و دلایل امکان فهم متن بهتر از ماتن»، *الهیات و معارف (مطالعات اسلامی)*، ۷۱، (۱۳۸۵): ۱۲۸.

۵۹. هرسیچ و دیگران، همان، ۶۶.

۶۰. جاوید و افشار، همان، ۴۸.

۶۱. همان.

فرا تر رود و تفسیری ارائه دهد که تضمین‌کننده هدف معاهده باشد. روش تفسیر غایت‌گرا از یک‌سو معاهده را متأثر از توسعه حقوق بین‌الملل می‌کند و از سوی دیگر، با انطباق قواعد کهنه با وقایع و ضرورت‌های روز جامعه بین‌المللی، زمینه توسعه حقوق بین‌الملل را فراهم می‌کند.^{۶۲} علاوه بر این، حتی در مواردی که عبارات نوعی غیرارزش‌محور با غلبه رویکرد «قصدگرا» به صورت تکاملی تفسیر می‌شوند، نمی‌توان نقش مفسر کاملاً را نادیده انگاشت زیرا در این موارد نیز انتخاب شیوه تفسیر، نه بر اساس قصد واقعی طرفین، بلکه بر اساس قصدی صورت می‌گیرد که مفسر به وسیله قرائن آن را فرض می‌کند. همان‌طور که در ذیل کارکرد اول تفسیر پویا نشان داده شد، تفسیر پویا به‌عنوان وسیله اعمال اراده مفسر جهت توسعه یا تغییر معنای معاهده است که می‌تواند مجرای برای قاعده‌سازی از طریق رویه قضایی نیز تلقی شود.

۴. تفسیر پویا از نگاه مکاتب بنیادین حقوق بین‌الملل

این قسمت از مقاله با هدف پاسخ به این سؤال نگاشته شده است که ریشه تفسیر پویا به‌عنوان یک روش ترکیبی و مفسر‌محور را باید در کدام مکتب یا مکاتب فلسفی پایه‌ای حقوق بین‌الملل یعنی «حقوق طبیعی»^{۶۳}، «اثبات‌گرایی» و «جامعه‌شناختی»^{۶۴} جستجو کرد؟ از آنجا که تفسیر پویا اغلب در حوزه‌های حقوق بشر و محیط‌زیست به کار گرفته شده است، شاید آنچه ابتدا به ذهن متبادر شود، مکتب حقوق طبیعی باشد؛ اما با توجه به آنچه در سطور بالا در باب روش‌شناسی تفسیر پویا بیان شد، پاسخ این سؤال چندان ساده نیست. هر یک از مکاتب مزبور، مبنای شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل و الزام‌آوری آن را به گونه‌ای متفاوت توصیف کرده و روش‌شناسی آن‌ها برای فهم پدیده‌های حقوقی با یکدیگر تفاوت دارد. مکتب «حقوق طبیعی» به مبانی اخلاقی، اصول عدالت و ارزش‌های بنیادین در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل توجه دارد. این مکتب، حقوق را محصولی از ارزش‌های برتر و مستقل از اراده دولت‌ها می‌داند. در مقابل، مکاتب اثبات‌گرا حقوق بین‌الملل را بر اساس قواعد موضوعه و مبتنی بر توافقات بین‌المللی تعریف کرده و به مبانی اخلاقی توجه چندانی ندارد. «اثبات‌گرایی حقوقی»^{۶۵} و «واقع‌گرایی»^{۶۶} در این دسته جای دارند. مکتب «جامعه‌شناسی حقوقی»، حقوق بین‌الملل را در بستر اجتماعی و تاریخی تحلیل می‌کنند و بر نقش جامعه در شکل‌گیری حقوق تأکید دارند. در این قسمت، چگونگی پیوند روش تفسیر پویا با مکاتب مربوطه بررسی شده و نشان داده خواهد شد که تفسیر پویا از مبانی ترکیبی برخوردار است.

۶۲. سماوی، همان، ۹۰.

63. "Natural Law" School

64. Sociological Theories

65. Legal Positivism

66. Legal Realism

۴-۱. حقوق طبیعی

هرچند حقوق بین‌الملل به‌عنوان نظام دولت-محور پا به عرصه نهاد و مکتب «حقوق طبیعی» مبنای آن تلقی نمی‌شد، امروزه برخی شاخه‌های حقوق بین‌الملل تحت تأثیر آموزه‌های این مکتب تکامل یافته‌اند. یکی از محورهای برجسته چنین تکاملی، تغییر و ارتقای جایگاه افراد در حقوق بین‌الملل، متأثر از اندیشه‌های انسان‌محور (اومانیزم) است. حقوق بین‌الملل مدرن دارای شاخه‌های گوناگونی است که برخی از آن‌ها از طریق تعریف حقوق بشر برای افراد و تضمین این حقوق در محاکم، وضعیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ لذا حقوق بین‌الملل بشر دارای مبنای حقوق طبیعی بوده و ریشه در ارزش‌ها و وجدان بشر دارد. به عقیده طرفداران مکتب حقوق طبیعی، اراده دولت‌ها موجد قواعد حقوق بشری نیست و نقش معاهدات بین‌المللی نسبت به استانداردهای حقوق بشری چیزی بیش از نقش کشفی و اعلامی نیست.^{۶۷}

مکتب «حقوق طبیعی»، حقوق را از دریچه اخلاقیات و ارزش‌هایی مانند عدالت، صلح و حقوق بشر توصیف می‌کند و تنها قوانینی را معتبر می‌داند که غایت اخلاقی حقوق طبیعی را برآورده سازند.^{۶۸} رویکرد این مکتب در تفسیر معاهدات، فراتر از متن و قصد طرفین بوده و معتقد است معاهدات باید با اصول فراتر از اراده دولت‌ها و قواعد قراردادی، در پرتو ارزش‌ها و اصول اخلاقی و با رویکرد غایی تفسیر شوند.

می‌توان گفت که در تفسیر عبارات نوعی ارزش‌محور، انتخاب روش تفسیر پویا با تعلق خاطر به این مکتب صورت می‌گیرد؛ لذا به‌کارگیری روش پویا در تفسیر معاهدات حقوق بشری، با توجه به غلبه جنبه طبیعی آن‌ها بیشتر از سایر معاهدات است و از همین رو رویه محاکم حقوق بشری در توسل به تفسیر پویا غنی‌تر است. دادگاه‌های اروپایی و امریکایی حقوق بشر^{۶۹} در پرونده‌های متعدد، با استناد به «دکترین سند زنده» از روش تفسیر پویا با رویکردی «غایت‌گرا» استفاده کرده و حتی باعث افزایش تعهدات دولت‌ها شده‌اند. عملکرد مراجع مزبور نشان می‌دهد که آن‌ها در موارد بسیار، خود را به اراده دولت‌ها مقید ندانسته و در صورت لزوم، با ارائه تفسیر پویا از

۶۷. محمدجواد جاوید و مرتضی رستمی، «ابعاد نظری و آثار عینی حقوق طبیعی در اسناد و آرای حقوق بشری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۴۵، ۳ (۱۳۹۴): ۴۵۴.

68. Usman Qudus and Dennis W. K. Khong, "Six Core Values in Natural Law as a Common Concern for Human Development", *Cogent Social Sciences* 9, no. 1 (2023): 4.

۶۹. دادگاه امریکایی، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و سایر اسناد مرتبط به آن را اجزای تشکیل‌دهنده یک سیستم می‌داند که رسالت و هدف آن تضمین حمایت حداکثری از حقوق اساسی بشر است.

I/A Court H. R., *Interpretation of the American Declaration of the Rights and Duties of Man Within the Framework of Article 64 of the American Convention on Human Rights, Colombia, Advisory Opinion OC-10/89*, IACHR Series A no 10, 14 July 1989. And I/A Court H. R., *the Right to Information on Consular Assistance. In the Framework of the Guarantees of the due Process of Law, Advisory Opinion OC-16/99*, 1 October, 1999, Serie A No. 16, para 114.

مقررات، زمینه ارتقای حقوق بشر را به نفع ارزش‌های حقوق طبیعی و ارزش‌های مشترک جامعه اروپا فراهم کرده‌اند. هرچند که این امر ممکن است قابلیت پیش‌بینی‌پذیری احکام قضایی را کاهش دهد و نوعی تخطی از اصول قضایی است، رویه محاکم مزبور حاکی از برتری ارزش‌ها است. همان‌طور که جرج لستاس بیان داشته: «آثار و نتایج مترتب بر فقدان پیش‌بینی‌پذیری باید با ارزش‌های اخلاقی و حقوق بشری سنجیده شود».^{۷۰} دادگاه اروپایی در توجیه کاهش قابلیت پیش‌بینی‌پذیری در نتیجه استفاده از تفسیر پویا می‌گوید: «نکته مهم در اجرای قواعد کنوانسیون، توجه به نحوه و نتیجه تفسیر است که باید ضمن اثرگذاری، کاربرد حقوق مورد حمایت نیز محفوظ بماند».^{۷۱}

علاوه بر معاهدات حقوق بشری، در هر معاهده‌ای که حتی به صورت غیرمستقیم، مؤثر بر حقوق افراد باشد، تفسیر پویا می‌تواند راهواری جهت تضمین ارزش‌های حقوق طبیعی باشد. همان‌طور که اشاره شد، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده‌های متعدد، در احراز صلاحیت علی‌الظاهر خود بر مأموریت دیوان در تحقق عدالت و صلح، تأکید ورزیده و حمایت از حقوق را برتر از دغدغه‌های ملی تلقی می‌کند. قاضی ترینداد نیز در نظریات جداگانه رأی صلاحیتی عهدنامه مودت، بر موضع همیشگی خویش در برتر دانستن ارزش‌های عینی تأکید داشته و بیان می‌دارد که: «وجدان برتر از اراده است». این رویکرد ضداراده‌گرایی، پیوندهای محکمی با «مکتب حقوق طبیعی» دارد و این موضوع در نگاه «فردمحور» وی انعکاس دارد.^{۷۲}

۴-۲. اثبات‌گرایی نوین

پیروان «مکتب اراده‌گرایی» بر اساس نظریه اثبات‌گرایی نوین، حقوق را واقعه اجتماعی توصیف کرده و معتقدند که الزام‌آوری و قابلیت اجرای قواعد حقوقی، وابسته به اراده دولت‌ها و دخالت شکلی آن‌ها است. روش‌شناسی مکتب اراده‌گرایی برای تفسیر معاهدات، رویکرد قصدگرا است زیرا در هستی‌شناسی این مکتب، معاهده پدیده‌ای مخلوق اراده متعاهدین و ابزاری برای اعلان اراده دولت‌ها جهت تنظیم روابط فیما بین است. اراده‌گرایان تنها زمانی به کارگیری روش تفسیر پویا را موجه می‌دانند که بتوان آن را به قصد طرفین مرتبط دانست و این ارتباط را با تکیه بر عبارات نوعی غیرارزش‌محور فرض می‌کنند. به‌عنوان نمونه، مبنای انتخاب روش تفسیر پویا در قضایای نامیبیا و حق کشتی‌رانی در رودخانه سن خوان همین قصد فرضی بوده که نشان از تأثیر اکثریت قضاوت وقت دیوان بین‌المللی دادگستری از مکتب اراده‌گرایی دارد. از نظر دیوان: «استفاده متعاهدین

70. Georg Letsas, *A Theory of Interpretation of the European Convention of Human Rights* (London: Oxford University Press, 2007) 74.

71. *Scoppola v. Italy* (no.2), Application no. 10249/03, ECtHR, 2010, para. 104.

72. *Alleged violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Right, (Iran v United States)*, decision on provisional measures, Separate opinion of Judge Cançado Trindade alleged, p. 6.

از عبارات نوعی، ضرورتاً با علم به احتمال تغییر معنای اصطلاحات در طول زمان بوده؛ در عین حال، زمانی که معاهده‌ای برای اجرا در طولانی‌مدت منعقد می‌شود، مفروض است که طرفین معنای تحول‌یابنده اصطلاحات آن را در نظر داشته‌اند.^{۷۳}

علاوه بر این، قاضی رنجو در نظریه جداگانه‌ای که در قضیه مشروعیت به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای ارائه نمود، آشکارا به واقع‌گرایی حقوقی به‌عنوان مبنایی برای تفسیر تکاملی اشاره کرده است.^{۷۴}

۴-۳. جامعه‌شناسی حقوقی

مکتب جامعه‌شناسی حقوقی، حقوق را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و در حال تغییر در نظر می‌گیرد که باید در بستر واقعیات اجتماعی، فرهنگی و ... تحلیل شود. علی‌رغم انتقادات وارده به این مکتب، تأثیر آن در اصلاحات حقوقی، توسعه حقوق بشر و انطباق حقوق با تحولات اجتماعی انکارناپذیر است. بر این اساس، قواعد حقوقی ایستا نبوده و در طول زمان و با تغییر شرایط اجتماعی دستخوش تحول می‌شوند. بنابراین، هر نظام حقوقی در صورتی می‌تواند کارآمد بماند که از ابزارهای لازم برای هماهنگی با تحولات اجتماعی برخوردار باشد؛ این ابزار گاهی اصلاح قوانین کهنه است و گاهی به‌روزرسانی حقوق از طرقی نظیر تفسیر پویا. از این منظر، تفسیر تکاملی عبارات نوعی -عمدتاً عبارات غیر/ارزش‌محور- و استناد به «دکترین سند زنده» در این رابطه، تا حدود زیادی برگرفته از نگاه جامعه‌شناختی به پدیده‌های حقوق بین‌الملل است. به بیان دیگر، تفسیر پویا و مکتب جامعه‌شناسی حقوقی هر دو بر تغییرپذیری مقررات و ارتباط آن با تحولات اجتماعی تأکید دارند اما از منظرهای متفاوتی به این موضوع می‌پردازند. در این رابطه آرای قضایی که در آن‌ها از تفسیر پویا استفاده شده و با توجه به واقعیات‌های اجتماعی و تحولات گوناگون، مفاد معاهدات به‌روزرسانی شده‌اند، قابل توجه هستند. اگرچه در آرای مزبور مستقیماً از تحلیل جامعه‌شناختی استفاده نشده است، استدلال‌های آن با رویکرد جامعه‌شناختی در تفسیر حقوق بین‌الملل همخوانی دارد.

برای مثال، در بخش‌هایی از رأی داوری آیرن راین، نگاه جامعه‌شناختی به تحول حقوق و تغییرات اجتماعی با این بیانات منعکس شده است: «ضرورت اعمال تفسیر تکاملی در این پرونده از آن جهت است که تحولات قابل توجه فنی مرتبط با کارکرد و ظرفیت حمل و نقل ریلی باید در

73. *Dispute regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua)*, Judgment, para 66. See also *Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay)*, Judgment, para 204.

74. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons* (Advisory Opinion) Concurring Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons Opinion Judge Ranjeva [1996] ICJ Rep 295.

تفسیر معاهده مورد توجه قرار گیرد.^{۷۵} محکمه داوری در توجیه انتخاب این شیوه تفسیری به هدف معاهده ۱۸۳۹ در تضمین دائمی حق ترانزیت تجاری برای بلژیک اشاره کرده و اذعان داشته است: «این تحقق هدف، زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که افزایش ظرفیت و مدرن‌سازی راه‌آهن آیرن راین به‌طور مستمر و همگام با پیشرفت‌های فنی حمل و نقل ریلی ممکن شود».^{۷۶} دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه فلات قاره دریایی/اژه به منظور تفسیر پویای عبارت «وضعیت سرزمینی»، با پذیرفتن تأثیر تحولات علمی و فنی بر حقوق بین‌الملل اذعان داشت: «دیوان باید شکل‌گیری منطقه فلات قاره و تحولاتی را که در حقوق دولت ساحلی در پرتو مقررات مربوط به فلات قاره ایجاد شده است در نظر بگیرد».^{۷۷} به این ترتیب دیوان پذیرفته است که معنای «وضعیت سرزمینی» از تکامل حقوق بر محور واقعیت‌های اجتماعی معاصر مانند کشف منطقه فلات قاره پیروی می‌کند. دیوان در برخی قضایای دیگر نیز علی‌رغم عدم استفاده صریح از تحلیل جامعه‌شناختی، استدلالاتی کرده که نشان از پذیرش تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر تحول معنای حقوقی متون بین‌المللی دارد. از جمله در قضیه رودخانه سن‌خوان تأکید شده است که تغییرات در شیوه‌های حمل و نقل، نیازهای اقتصادی و تعاملات اجتماعی میان کشورها مستلزم تفسیر انعطاف‌پذیر و سازگار با تحولات اجتماعی است. اگرچه دیوان به‌طور مستقیم از نظریات جامعه‌شناختی استفاده نکرده، نگاه آن به حقوق به‌عنوان نهادی در حال تحول که باید با نیازهای جامعه بین‌المللی سازگار شود، همسو با نگرش جامعه‌شناسی حقوقی است.

نتیجه

معاهدات به‌عنوان اسنادی زنده و دارای حیات اجتماعی، ممکن است تحت تأثیر تحولات تاریخی و اجتماعی دستخوش تحول معنایی شوند. از این منظر، «تفسیر پویا» به‌عنوان روشی تفسیری، امکان انطباق معاهدات را با مقتضیات زمان فراهم می‌کند. وجه مشخصه اعمال تفسیر پویا، «تحول معنای عبارات نوعی در گذر زمان» است و بنا بر قاعده، عبارات نوعی در معاهدات بلندمدت به صورت تکاملی تفسیر می‌شوند. منظور از عبارات نوعی، مفاهیم کلی و عامی هستند که معنای آن‌ها تاب تکامل و تحول دارد و شامل واژگان غیرارزش‌محور و ارزش‌محور است. روش تفسیر پویا با در نظر گرفتن تحولات معنایی عبارت معاهده در طول زمان، رسالت به‌روزرسانی و تأمین انعطاف‌پذیری معاهده را به انجام می‌رساند و به‌عنوان دریچه انعکاس ارزش‌ها به حقوق بین‌الملل و راهواری در تحقق عدالت در این نظام حقوقی عمل می‌کند.

75. *Iron Rhine (Belgium v. The Netherland)*, Final Award, 24 May 2005. PCA Case No. 2003-02. Para 79-80.

76. *Ibid.*, para 84.

77. *Aegean Sea Continental Shelf (Greece v. Turkey)*, Judgment, para. 80.

روش‌شناسی تفسیر پویا نشان داده است که این روش، ترکیبی از سه مکتب تفسیری «قصدگرا»، «غایت‌گرا» و «متن‌گرا» است. چنانچه تفسیر تکاملی واژگان غیرارزش‌محور مدنظر باشد، مبنای انتخاب روش تفسیر، «قصد فرضی طرفین» است و در مواردی که عبارات نوعی ارزش‌محور موضوع تفسیر قرار گیرند، «هدف و موضوع» بهتر می‌تواند استفاده از تفسیر پویا را توجیه کند. در هر دو حالت نیز توجه به «ماهیت» تعهدات، نقش کمکی دارد. به‌علاوه، در میان نظریات هرمنوتیکی، نظریه تفسیر پویا بیشترین قرابت را با هرمنوتیک مفسر‌محور دارد. در تحلیل مبانی فلسفی نظریه تفسیر پویا نتیجه این شد که تفسیر پویای عبارات نوعی ارزش‌محور که اغلب در معاهدات حقوق بشری و زیست‌محیطی به کار رفته‌اند، با تعلق خاطر به «مکتب حقوق طبیعی» صورت می‌گیرد، در حالی که تفسیر پویای عبارات نوعی غیرارزش‌محور، بسته به مورد ممکن است ریشه در مکتب «اثبات‌گرایی نوین» یا «جامعه‌شناسی حقوقی» داشته باشد. اثبات‌گرایان زمانی به کارگیری روش تفسیر پویا را برمی‌گزینند که با اماراتی به قصد طرفین تعلق گیرد. عینی‌گرایان بر تحول‌پذیری مقررات معاهده و ارتباط آن با تحولات اجتماعی تأکید داشته و تفسیر پویا را راهکاری برای هماهنگی حقوق بین‌الملل قراردادی با این تحولات در نظر می‌گیرند.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. سماوی، اسماعیل. تفسیر پویای معاهدات بین‌المللی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۷.
۲. واعظی، احمد. درآمدی بر هرمنوتیک، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

- مقاله

۱. جاوید، محمدجواد و سجاد افشار، «رهیافت متن‌گرایی در تفسیر حقوقی؛ با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی ۲۰، شماره ۶۱ (۱۳۹۷).
۲. جاوید، محمدجواد و مرتضی رستمی، «ابعاد نظری و آثار عینی حقوق طبیعی در اسناد و آرای حقوق بشری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۴۵، شماره ۳ (۱۳۹۴).
۳. حبیبی مجنده، محمد و ساناز کامیارراد، «قاعده‌سازی در دیوان بین‌المللی دادگستری از مجرای تفسیر پویا»، مجله حقوقی بین‌المللی ۳۵، شماره ۵۸ (۱۳۹۷).
۴. علمی سولا، محمدکاظم، «هرمنوتیک مدرن و دلایل امکان فهم متن بهتر از ماتن»، الهیات و معارف (مطالعات اسلامی)، شماره ۷۱ (۱۳۸۵).
۵. نوروزی طلب، علیرضا، «پرسش از چیستی هرمنوتیک: تحلیل و بررسی مسائل آن»، باغ نظر، شماره ۷ (۱۳۸۶).
۶. هرسیج، حسین، محمودرضا رهبر قاضی و رضا محمود اوغلی، «بررسی و نقد هرمنوتیک فلسفی گادامر از دیدگاه هرمنوتیک انتقادی هابرماس»، دانش سیاسی و بین‌المللی ۱، شماره ۱ (۱۳۹۱).

ب. انگلیسی

- Books

1. Bjorge, Eirik. *The Evolutionary Interpretation of Treaties*. New York: Oxford University Press, 2014.
2. Gaja, Giorgia. *The Protection of General Interests in the International Community: General Course on Public International Law*. Boston: Nijhoff Publishers, 2012.
3. Harris, David, and Sandesh Sivakumaran. *Cases and Materials on International Law*. 8th ed. London: Sweet & Maxwell, 2015.
4. Letsas, Georg. *A Theory of Interpretation of the European Convention of Human Rights*. London: Oxford University Press, 2007.

- Articles

1. Dawidowicz, Martin, "The Effect of the Passage of Time on the Interpretation of Treaties: Some Reflections on *Costa Rica v. Nicaragua*." *Leiden Journal of International Law* 24, no. 1 (2011).
2. Dupuy, Pierre-Marie, "Evolutionary Interpretation of Treaties: Between Memory and Prophecy." in: *The Law of Treaties beyond the Vienna Convention*, Enzo Cannizzaro (ed.), Oxford University Press (2011).
3. Helmersen, Sondre Torp, "Evolutive Treaty Interpretation: Legality, Semantics and Distinctions." *European Journal of Legal Studies* 6, no. 1 (2013).
4. Morse, Oliver, "Schools of Approach to the Interpretation of Treaties." *Catholic University Law Review* 9, no. 1 (1960).
5. Novy, Zdenek, "Evolutionary Interpretation of International Treaties." *Czech Yearbook of International Law* 8 (2017).
6. Quddus, Usman, and Dennis W. K. Khong, "Six Core Values in Natural Law as a Common Concern for Human Development." *Cogent Social Sciences* 9, no. 1 (2023).
7. Vidigal, Geraldo, "Hidden Meanings: Evolutionary Interpretation between Norm Application and Progressive Development." *Journal of International Economic Law* 24 (2021).

- Cases and Documents

1. *Aegean Sea Continental Shelf (Greece v. Turkey)*, Judgment, *I.C.J Reports* 1978, p. 80.
2. *Alleged violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations and Consular Right, (Iran v. United States)*, decision on provisional measures, Separate opinion of Judge Cançado Trindade alleged, 2018.
3. *Application of the CERD Convention (Ukraine versus Russian Federation)*, Preliminary Objections, Judgment, *I.C.J Reports* 2017, p. 558.
4. *Dispute Regarding Navigational and Related Rights, (Costa Rica v. Nicaragua)*, Judgment, *I.C.J Reports* 2009, p. 213.
5. ECR. *Case of (Srl CILFIT and Lanificio di Gavardo SpA) v. Ministry of Health* (Case 283/81). Judgment 6 October 1982.
6. ECtHR. *Loizidou v. Turkey* (Application no. 15318/89). Judgment 18 December 1996.
7. ECtHR. *Scoppola v. Italy (no.2)*, (Application no. 10249/03), Judgment, 2010.
8. ECtHR. *Soering v. The United Kingdom* (Application No. 14038/88). Judgment 07 July 1989.
9. ECtHR. *Tyrer v. The United Kingdom* (Application no. 5856/72). Judgment, 25 April 1978.
10. *Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)*, Judgment, *I.C.J Reports* 1997.

11. IACHR. *The Right to Information on Consular Assistance. In the Framework of the Guarantees of the due Process of Law*, Advisory Opinion of October 1.1999 (OC-16/99) 1 October 1999.
12. IACtHR. *Interpretation of the American Declaration of the Rights and Duties of Man within the Framework of Article 64 of the American Convention on Human Rights*. Advisory Opinion of July 14.1989 (OC-10/89). 14 July 1989.
13. IACtHR. *The Right to Information on Consular Assistance, In the Framework of the Guarantees of the due Process of Law*. Advisory Opinion of 1 October 1999 (OC-16-99). 1 October 1999.
14. *Iron Rhine (Belgium v. The Netherland)*. Final Award. 24 May 2005. PCA Case No. 2003-02.
15. *Jadhav (India versus Pakistan)*, Judgment, *I.C.J Reports 2017*, p. 418.
16. *Kasikili-Sedudu Island, (Botswana v. Namibia)*, Judgment, *I.C.J Reports 1999*, p. 1045.
17. *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia Notwithstanding, Security Council Resolution 276*, Advisory Opinion, *I.C.J Reports 1971*, p. 16.
18. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons* (Advisory Opinion) Concurring Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons Opinion Judge Ranjeva [1996] ICJ Rep 295.
19. *Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay)*, Judgment, *I.C.J Reports 2010*, p. 14.
20. Third Report on the Law of Treaties by Mr. G.G. Fitzmaurice, Special Rapporteur UN Doc A/CN 4/115 and Corr 1, art. 18-19, Extract from the Yearbook of the International Law Commission, Vol. II, 1958. Downloaded from the web site of the International Law Commission <http://www.un.org/law/ilc/index.htm>
21. *Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan: New Zealand intervening)*, Judgment, *I.C.J. Reports 2014*, p. 226.
22. WTO. *Mexico – Measures Affecting Telecommunications Services*, WT/DS204/R, 1 June 2004.
23. WTO. *United States—Measures Affecting the Cross-Border Supply of Gambling and Betting Service*. WT/DS285/R. 20 April 2005.